

# بررسی، کارکرد هنری آیات و احادیث در شعر معاصر با تکیه بر پنج شاعر:

قیصر امین پور، محمد رضا شفیعی کدکنی، محمد علی بهمنی، حسین منزوی، هوشنگ ابتهاج

فاطمه نیروی آغمیونی<sup>۱</sup>

مهدی پرهام<sup>۲</sup>

یدالله طالشی<sup>۳</sup>

## چکیده

پژوهش حاضر کارکرد هنری قرآن و حدیث را در شعر شاعران شاخص دوره‌ی معاصر: محمد رضا شفیعی کدکنی، قیصر امین پور، حسین منزوی، هوشنگ ابتهاج و محمد علی بهمنی بررسی کرده است. در این پژوهش سعی شده است با استفاده از الگویی که سید محمد راستگو در اختیار نهاده، عمل شود. به همین دلیل می‌توان گفت الگوی حاضر شیوه‌ی جدیدی از کارکرد هنری آیات و احادیث در اشعار شاعران مورد بحث است. در بررسی شیوه‌های اثرپذیری این شاعران از قرآن می‌توان به اشکال مختلف و متنوعی، بهره‌گیری این شاعران خوش قریحه را از این کتاب آسمانی با شیوه‌ی بیانی نو و بدیع که با توجه به تغییر اوضاع سیاسی و اجتماعی جامعه نیز صورت پذیرفته است، مشاهده نمود؛ که عبارتند از اثرپذیری واژگانی، گزاره‌ای، گزارشی، الهامی - بنیادی، تلمیحی، تأویلی، تطبیقی، تصویری و چند سویه. با توجه به بررسی‌های صورت گرفته در این پژوهش بیشترین اثرپذیری از قرآن و احادیث به صورت اثرپذیری واژگانی، الهامی - بنیادی و تلمیحی است.

کلید واژه: قرآن کریم، احادیث، اشعار، شاعران معاصر، اثرپذیری

## مقدمه

قرآن مجید کتاب دینی مسلمانان است، که معانی و مفاهیم والای آن در طول چهارده قرن در تمامی جنبه‌های زندگی مسلمانان به صورت مستقیم و غیر مستقیم، راه یافته است.

## شیوه‌ها و گونه‌های اثرپذیری شعر از قرآن و حدیث:

بهره‌گیری شاعران پارسی‌گوی از قرآن و حدیث، شیوه‌های گوناگون دارد؛ شیوه‌هایی که هم از دیدگاه پیدایی و پنهانی و هم از دیدگاه هنری و بلاغی در یک سطح نیستند؛ یعنی بهره‌گیری آنها گاه آشکار و عیان است به طوری که هرکس با این مقولات اندک‌آشنایی داشته باشد به آسانی آنها را در می‌یابد و گاهی پوشیده و پنهان است به گونه‌ای که تا کسی با این مقولات آشنایی بایسته و شایسته نداشته باشد به آنها دست نمی‌یابد، همان گونه که بهره‌گیری آن‌ها گاه هنرمندانه و شیرین است و گاه کلیشه‌ای و نه‌چندان دلنشین. (راستگو، ۱۳۸۹: ۱۵)

تأثیر قرآن و حدیث در ادب فارسی نیز نکته‌ای است که نمی‌توان از آن چشم پوشید. چرا که در آثار شاعران گذشته این تأثیر به طور محسوس دیده می‌شود. این تأثیر شگفت‌ناک تنها در متون نظم ادب فارسی، بلکه در متون نثر نیز نمایان بوده و نقطه‌ی قوتی برای این گونه آثار است، در شعر شاعران معاصر نیز می‌توان این اثرپذیری را مشاهده و این موضوع را فصل مشترک آثار گذشته و حال تلقی کرد.

تاکنون تحقیق اختصاصی درباره‌ی کارکرد هنری و تأثیر قرآن و حدیث در شعر شاعران معاصر به روش مقابله‌ای صورت نگرفته است. و این در حالیست که معاصران بعضاً بسیار به این تأثیرات توجه نشان داده‌اند. پس بر آن شدیم که به بررسی، کارکرد هنری و تأثیر قرآن و حدیث در شعر تنی چند از شاعران معاصر از جمله: محمد رضا شفیعی کدکنی، قیصر امین‌پور، حسین منزوی، هوشنگ ابتهاج و محمد علی بهمنی بپردازیم.

<sup>۱</sup> دانشجوی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر

<sup>۲</sup> استاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر

<sup>۳</sup> استاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر

**بحث و بررسی:**

اگر چه در برخی کتاب‌ها اشعاری از شاعران معاصر در کنار آثار دیگران بررسی شده و مقالاتی نیز در این زمینه نوشته شده است اما گویا تاکنون اثری درباره کارکرد هنری آیات و احادیث در اشعار آنان پدید نیامده است. از جمله‌ی این مقالات می‌توان به بررسی بینامتنی قرآن کریم و شعر قیصر امین پور، تأثیر قرآن کریم بر ادبیات منظوم معاصر فارسی و انواع تلمیح در غزل‌های حسین منزوی و سیمین بهبهانی و .. اشاره کرد. شاعران پیشین از قرآن کریم و حدیث مانند بسیاری از کارکردهای هنری از جمله تشبیه و تمثیل و استعاره و .. بهره‌های فراوانی گرفته‌اند و شاعران معاصر نیز در پیروی از همین سبک و سیاق به گذشتگان اقتدا کرده و با توجه به جو اجتماعی، سیاسی و اقتصادی زمان خود به بهره‌گیری از این آیات، احادیث و روایات پرداخته‌اند. از آنجایی که کتب مختلفی در مورد تأثیر قرآن و حدیث در ادب فارسی تألیف شده، شیوه‌های گوناگونی نیز از این تأثیر پذیری ذکر گردیده است ولی در این مقاله سعی بر آن است که از کامل‌ترین طبقه‌بندی تأثیر پذیری قرآن استفاده گردد به نظر نگارنده‌ی این سطور طبقه‌بندی انجام گرفته در کتاب تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی از محقق گرامی سید محمد راستگو، در مورد شیوه‌های این اثر پذیری، بیش از هر دسته‌بندی می‌تواند بیانگر شیوه و گونه‌های اثرپذیری شاعران فارسی از قرآن کریم باشد. این دسته‌بندی اگر چه کمی بیش از زمینه‌های مشترک با گذشته را حفظ کرده است اما کوشیده تا حد ممکن رنگارنگی و خصائص هنری درج و استفاده‌ی از آیات و احادیث در شعر شاعران را توضیح دهد. بدیهی است که با این کار بخش قابل توجهی از تمایزهای معمولی و عالی شاعران از قرآن و حدیث پدیدار می‌گردد چنانکه فی‌المثل بین دو گونه‌ی بهره‌گیری زیر تفاوت وجود دارد؛ در شعر نخست بهره‌گیری اقتباس و تضمین است:

عقل چون دید اهل می‌کده را / گفت " طوبی لهم و حسن مآب " (خواجو، ۱۳۶۹: ۳۷۸)

و در بیت زیر تصویری زیبا آفریده شده است که دریغ می‌نماید تنها نام اقتباس و تضمین بر آن بتوان گذاشت: ای به رخت زلف مسلسل قرین / ازلفت الجنة للمؤمنین (خواجو، ۱۳۶۹: ۳۷۸)

و نیز این بیت مشهور حافظ خود آیتی از کاربرد هنری نصوص است:

چشم حافظ زیر بام قصر آن حوری سرشت / شیوه جئات تجری تحنها الأنتهار داشت (حافظ، ۱۳۸۹: ۱۲۷)

بنابراین پس بیراه نیست که گمان کنیم اگر تفاوت‌هایی قائل شویم ما بین سطوح مختلف اثرپذیری، بخشی از ظرفیت‌های هنری و ذوق طبع شاعران را بهتر معرفی خواهیم کرد و این مطلب از سویی بر وجوه ادبی کلام نیز بیشتر خواهد افزود. آنچه در پی می‌آید حاصل همین نگرش است.

از آنجایی که در طرح گونه‌ها محتوای کتاب مستطاب " تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی " ملاک طبقه‌بندی بوده است لازم است که ابتدا درباره برخی شیوه‌ها نکاتی یاد آور شود.

**شیوه‌ها و گونه‌های اثر پذیری از قرآن:****۱. اثر پذیری واژگانی**

« در این شیوه اثر پذیری، شاعر در به کارگیری پاره‌ای از واژه‌ها و ترکیب‌ها وامدار قرآن و حدیث است، یعنی واژه‌ها و ترکیب‌هایی را در شعر خویش می‌آورد که ریشه قرآنی و یا حدیثی دارند، و مستقیم یا غیر مستقیم توسط خود شاعر یا دیگران به زبان و ادب پارسی راه یافته‌اند. (راستگو، ۱۳۸۹: ۱۵)

اثر پذیری واژگانی خود به سه شیوه‌ی وام‌گیری، ترجمه و برآیند سازی، بخش پذیراست.

**۱- وام‌گیری**

در این نوع اثر پذیری شاعر عین کلمات قرآن و احادیث را در شعر خود وارد می‌کند.

۱ - ۱ - ۱ - مرا فردوس می‌شاید که ترسم / دل دوزخ به حال من بسوزد (امین پور، ۱۳۹۵: ۴۵)

واژه " فردوس " در مصرع اول بیت که به آیه « الَّذِينَ يَرْتُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ » همانان که بهشت را به ارث می برند و در آنجا جاودان می مانند. (مؤمنون/ ۱۱) که در قرآن به آن اشاره شده است و با ساختار عربی خود و بدون تغییر آمده، که اثر پذیری واژگانی (وام گیری) است. و نیز بنگرید: (کهف/ ۱۰۷) البته در مصرع دوم نیز واژهی " دوزخ " ترجمه کلمه ی " الجحیم " است که به آیه « لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ » قطعاً شما جهنم را خواهید دید. (تکواثر / ۶) در قرآن اشاره شده، و اثرپذیری وام گیری (ترجمه) است. و نیز بنگرید: (انفطار / ۱۴)

۲- ۱- ۱- با: « گسسته حور عین / ز زلفِ خویش تارها، / در خیالِ خویش، / جاودانه می شدند! (کدکنی، ۱۳۷۶: ۲۷۳)

واژه " حورٌ عینٌ " در بیت فوق به معنی " زنان فراخ چشم بهشتی " است. که در آیات زیر به آن اشاره شده و این اثرپذیری واژگانی (وام گیری) شده است. « وَ حُورٌ عِينٌ » و زنان سیه چشم زیبا صورت. (واقعه / ۲۲) و نیز بنگرید: (الرحمن / ۷۲)

۳- ۱- ۱- در مسلخ فلق / خون ستاره ها / قوتی / برای قوتِ خورشید است (بهمنی، ۱۳۸۹: ۵۳)

واژه " فلق " در بیت فوق به معنی " سپیده دم " است. که در آیه زیر به آن اشاره شده و این اثرپذیری واژگانی (وام گیری) شده است. « قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ » بگو: پناه می برم به پروردگار سپیده صبح. (فلق / ۱)

۴- ۱- ۱- ای مژده ی بهشت رساننده به شیعیان / حق با حدیث «عاقبه المتقین» تو (منزوی، ۱۳۹۵: ۱۰۰۸)

واژه " عاقِبَةُ الْمُتَّقِينَ " در بیت فوق به معنی " حسن عاقبت اهل تقوا " است که در آیات زیر به آن اشاره شده است. که اثر پذیری واژگانی (وام گیری) است. « قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ » موسی به قوم خود گفت: از خدا یاری خواهید و صبر کنید که زمین ملک خداست، آن را به هر کس از بندگان خود خواهد به میراث دهد، و حسن عاقبت مخصوص اهل تقواست. (اعراف / ۱۲۸) و نیز بنگرید: (فصص / ۸۳)

۵- ۱- ۱- هر سحر از کالجِ کرم چون که فرو می نگرم / بانگِ لک الحمد رسد از مه و ناهید مرا (ابتهاج، ۱۳۷۶: ۲۲۵)

واژه " لک الحمد " در بیت فوق به معنی " ستایش کردن از آن توست " اشاره دارد که به خطبه ای از نهج البلاغه نیز در آن اشاره شده است. که اثر پذیری واژگانی (وام گیری) است. «اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ مَا تَأْخُذُ وَ تُعْطِي وَ عَلَيَّ مَا تُعَافِي وَ تَبْتَلِي حَمْدًا يَكُونُ أَرْضِي الْحَمْدِ لَكَ وَ أَحَبَّ الْحَمْدِ إِلَيْكَ وَ أَفْضَلَ الْحَمْدِ عِنْدَكَ» خدایا، تو را به سبب آنچه بگیری و آنچه بدهی و به آنچه شفا دهی و آنچه مبتلا کنی، می ستایم؛ حمدی که پسندیده ترین حمد برای تو باشد. (دشتی، ۱۳۹۰: ۷۳۴)

#### ب: ترجمه

در این نوع اثر پذیری شاعر ترجمه ای از کلمات قرآن و احادیث را در شعر خود می آورد.

۱- ۲- ۱- مرغی از میدان به سوی آسمان پر زد / پرده هفت آسمان افتاد (امین پور، ۱۳۹۵: ۵۶۷)

واژه " هفت آسمان " در چند بیت فوق وجود دارد، که ترجمه عبارت " سبع سماوات " است و این عبارت قرآنی در آیات زیر به آن اشاره شده است که اثر پذیری واژگانی (ترجمه) است. « أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا » آیا نمی دانید چگونه خداوند هفت آسمان را یکی بالای دیگری آفریده است. (نوح / ۱۵) و نیز بنگرید: (فصلت / ۱۲)

۲- ۲- ۱- در آغوش این دره دیر سال / بر این صخره خاموش کور و کر / درختِ تک افتاده کوهبید / بر آورده، مغرور، برابر، سر (کدکنی، ۱۳۷۶: ۱۲۹)

همراهی واژه های " کور " و " کر " در بیت فوق ترجمه عبارت " أَصَمَّ وَاَعْمَى " است که در آیات زیر به آن اشاره شده و اثر پذیرگی واژگانی (ترجمه) است. «أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعَمَّى أَبْصَارَهُمْ» اینان همان کسانی که خدا آنان را لعنت نموده و [گوش دل] ایشان را ناشنوا و چشمهایشان را نابینا کرده است. (محمد/ ۲۳) و نیز بنگرید: (بقره / ۱۷۱)

۳- ۲- ۱- بی بانگ صور خواب من آشفته گشته است / گوشم دگر به زمزمه‌ی رستخیز نیست (بهمنی، ۱۳۸۹: ۵۱۷)

ترکیب واژه " روز رستاخیز " در بیت فوق ترجمه " يَوْمَ الْقِيَامَةِ " است که در آیات زیر به آن اشاره شده و اثرپذیری واژگانی (ترجمه) است. « وَكُلِّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَشْهُورًا » و هر انسانی، اعمالش را بر گردنش آویخته ایم و روز قیامت، کتابی برای او بیرون می آوریم که آن را در برابر خود گشوده می بیند. (اسراء / ۱۳) و نیز بنگرید: (انعام / ۱۲)، (مائده / ۳۶)

۴- ۲- ۱- با ریشه ها در خاک، بی چشمی به افلاک / این تاک ها را حسرت طوبا شدن نیست (منزوی، ۱۳۹۵: ۴۰۶)

واژه های " سدر " و " طوبا " در ابیات فوق ترجمه کلمه (درخت سدر و درخت طوبا) است. که در آیات زیر به آن اشاره شده و اثرپذیری واژگانی (ترجمه) است. « الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَى لَهُمْ وَحُسْنُ مَآبٍ » کسانی که ایمان آوردند و عمل های شایسته کردند، خوشی و مسرت، زندگی پاکیزه، بهشت برین و درخت طوبی از آن آنهاست و بازگشتی نیک دارند. (رعد / ۲۹) و آیه « فِي سِدْرٍ مَّخْضُودٍ » آنها در سایه درختان « سدر » بی خار قرار دارند. (واقعه / ۲۸) و نیز بنگرید: (نجم / ۵۳)

۵- ۲- ۱- تو چون شهاب نوشتی به خون روشن خویش / که صبح تازه زخون شهید خواهد خاست (ابتهاج، ۱۳۷۶: ۱۸۸)

واژه " خون شهیدان " در ابیات فوق ترجمه عبارت " قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ " است که در آیات زیر به آن اشاره شده و اثر پذیرگی واژگانی (ترجمه) است. « وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ » هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده اند مرده میندار بلکه زنده اند که نزد پروردگارشان روزی داده می شوند. (آل عمران / ۱۶۹) و نیز بنگرید: (حج / ۵۸)

ج: برآیند سازی  
در این نوع اثر پذیرگی شاعر ترکیب و فرآیندی از آیه و حدیث را در شعر خود استفاده می کند.

۱- ۳- ۱- مگو کهنه شد رسم عهد الست / بیا بید تجدید بیعت کنیم (امین پور، ۱۳۹۵: ۶۵)  
ترکیب " عهد الست " در مصرع اول بیت برآیندی از قرآن است و از مفهوم به پیمانی اشاره دارد که ؛ خداوند از همه آدمیان

گرفته، و مضمون آن اقرار به ربوبیت خداوند بوده است. که در آیات زیر نیز به آنها اشاره شده است. « وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ » و (به خاطر بیاور) زمانی را که پروردگارت از پشت و صلب فرزندان آدم، ذریه آنها را برگرفت ؛ و آنها را گواه بر خویشتن ساخت و فرمود: آیا من پروردگار شما نیستم؟ گفتند: چرا، گواهی می دهیم ! (خداوند چنین کرد، مبادا) روز رستاخیز بگوئید: ما از این، غافل بودیم و از پیمان فطری بی خبر ماندیم ! (اعراف / ۱۷۲)

۲- ۳- ۱- هر چه در جعبه جادو، دارید / به در آید که من / باطل السحر شما را، همگی، می دانم: / سخنم، / باطل السحر شماست (کدکنی، ۱۳۷۶: ۴۲۸)

واژه‌های "باطل و سحر" در بیت فوق به معنی "باطل کردن سحر و جادو" است. که در آیات زیر به آن‌ها اشاره شده و این اثرپذیری واژگانی (برآیند سازی) شده است. و برای واژه‌های "سحر و باطل" آیات به صورت تفکیک شده برای هر یک در زیر اشاره شده است. « فَلَمَّا الْقَوْأَ قَالَ مُوسَىٰ مَا جِئْتُمْ بِهِ السَّحْرُ إِنَّ اللَّهَ سَيُبْطِلُهُ إِنَّ اللَّهَ لَا يُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ » آن‌گاه که ساحران بساط جادو انداختند، موسی گفت: خدا البته سحر شما را باطل خواهد کرد، که خدا هرگز عمل مفسدان را اصلاح نکند. (یونس / ۸۱) و نیز بنگرید: (طه / ۷۳)

۳-۳-۱- هبوط من نه ز سبب و نه گندم است، آری / کدام وسوسه شایسته تر ز حوایی (بهمنی، ۱۳۸۹: ۴۹۴)  
واژه "هبوط" در ابیات فوق برآیندی از عبارت قرآنی "اهبطوا" است که در آیه زیر به آن اشاره شده است. که این اثرپذیری واژگانی برآیند سازی است. « فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ » پس شیطان هر دو را از آن [باغ پرتراوت و زیبا] لغزاید و آنان را از آنچه در آن بودند، خارج ساخت؛ و [آن‌گاه ما به آنان] گفتیم: [به زمین] فرود آید. شما دشمن یکدیگر خواهید بود؛ و برایتان در زمین قرارگاه، و تا چندی برخورداری [و بهره مند] خواهد بود. (بقره / ۳۶)

۳-۳-۴- آه ای شهاب ثاقب تا هست روشنایی / وی آفتاب تابان تا هست آسمان‌ها (منزوی، ۱۳۹۵: ۵۹۷)  
ترکیب واژه‌ی "شهاب ثاقب" در بیت فوق برآیندی از قرآن کریم است که در آیه زیر به آن اشاره شده است. «إِلَّا مَنْ خَطِفَ الْخَطْفَةَ فَأَتْبَعَهُ شِهَابٌ ثَاقِبٌ» جز آنکه کسی (از شیاطین چون خواهد از عالم بالا) خبری بر باید هم او را تیر شهاب فروزان تعقیب کند. (صافات / ۱۰)

۳-۳-۵- طوفان نوح هم نتوانست شعله گشت / از آتش گداخته جاودانه ات (ابتهاج، ۱۳۷۶: ۱۱۲)  
ترکیب واژه "طوفان نوح" در ابیات فوق برآیندی از قرآن کریم است که در آیات زیر به آن اشاره شده است. « وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَهُمْ ظَالِمُونَ » و همانا نوح را (به رسالت) به سوی قومش فرستادیم و او هزار سال پنجاه سال کم میان قوم درنگ کرد، و چون همه ستمگر و ظالم بودند همه را طوفان هلاک فرا گرفت. (عنکبوت / ۱۴) و عبارت "آتش گداخته جاودانه ات" اشاره به آتش جاودان جهنم دارد در عبارت قرآنی "نَارُهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ" که در آیه زیر به آن اشاره شده است. « وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ » و آنان که آیات ما را تکذیب کرده و از سرکشی و تکبر سر بر آن فرود نیاوردند آنها اهل دوزخند و در آن جاوید (معذب) خواهند بود. (اعراف / ۳۶)

۲. اثرپذیری گزاره‌ای  
اثرپذیری گزاره‌ای به دو گونه‌ی اقتباس و حل بخش پذیر است:

#### الف) اقتباس (تضمین)

در این شیوه، گوینده عبارت قرآنی را به گونه‌ای که ساختار عربی خود را بدون هیچ تغییر و دگرگونی حفظ نماید، در سخن خود می‌آورد.

۱-۱-۲- می گفت جاء الحق و سر می داد هر جا / فریاد «إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا» (منزوی، ۱۳۹۵: ۹۷۸)  
در بیت فوق عبارت قرآنی با همان ساختار عربی خود بدون تغییر آمده است. که در آیه زیر به آن اشاره شده و این اثرپذیری گزاره‌ای (اقتباس) است. « وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا » و (به امت) بگو که (دین) حق آمد و باطل نابود شد، که باطل خود لایق محو نابودی ابدی است. (اسراء / ۸۱)

۲-۱-۲- پیش ساز تو من از سحر سخن دم نزنم / که بیانی چو زبان تو ندارد سخنم (ابتهاج، ۱۳۷۶: ۲۶۹)  
بیت فوق بنابر استفاده از واژه "سحر سخن" و "بیان" که می‌تواند یادآور همان عبارت عربی "البيان لسحراً" باشد که در ترجمه حدیثی از سخن پیامبر اکرم (ص) به آن اشاره شده است. «إِنَّ مِنَ الْبَيَانِ لَسِحْرًا وَإِنَّ مِنَ الشِّعْرِ

لِحُكْمًا وَإِنَّ مِنَ الْقَوْلِ عَيْبًا وَإِنَّ مِنْ طَلَبِ الْعِلْمِ جَهْلًا» بعضی بیانها سحر است و بعضی شعرها حکمت است و بعضی سخن‌ها الکنی است و بعضی دانشجوئی‌ها جهالت است. (پاینده، ۱۳۸۲: ۹۱۶) و نیز بنگرید: (الرحمن / ۴)

### ب) حلّ (تحلیل)

در این شیوه، گاه شاعر در ساختار اصلی آیه و حدیث تغییراتی به وجود می‌آورد که این تغییرات اغلب به خاطر وزن شعر و در تنگنای قافیه است.

۱- ۲- ۲- خدا ابتدا آب را / سپس زندگی را از آب آفرید / جهان نقش بر آب / و آن آب بر باد. .. (امین پور، ۱۳۹۵: ۱۶۵)

این بیت به خلقت جهان اشاره دارد که شاعر با استناد از آیه « أَوْلَمْ يَرَأْذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا أَفَلَا يُؤْمِنُونَ » آیا کافران ندیدند که آسمانها و زمین بسته بود ما آنها را بشکافتیم و از آب هر چیز زنده‌ای را آفریدیم؟ پس چرا باز (مردم طبیعت و ماده‌پرست) به خدا ایمان نمی‌آورند؟ (انبیاء / ۳۰) که در این آیه نیز از مراتب خلقت سخن گفته است.

۲- ۲- ۲- بسته ام آفاق را در جام جمشید جنون / هر چه جز عشق تو باقی را گمانی یافتم (کدکنی، ۱۳۷۶: ۵۰)  
بیت فوق اشاره به، عشق به خداوند دارد و جز عشق به او همه چیز در دنیا فانی است. « كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ » هر چه بر [زمین] است فانی شونده است. (الرحمن/۲۶) و آیه « وَيَبْقَى وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ » و تنها ذات ذوالجلال و گرامی پروردگارت باقی می‌ماند! (الرحمن/۲۷) و آیه « الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ » همان کسانی که ایمان آورده اند و دل‌هایشان به یاد خدا آرام می‌گیرد آگاه باش که با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد. (رعد / ۲۸)

۳- ۲- ۲- اما زمین که بیشتر از هر چه در جهان / شایسته ستایش و تکریم آدمی ست (ابتهاج، ۱۳۷۶: ۱۱۲)  
بیت فوق به قابل ستایش بودن زمین و زیبایی‌های آن اشاره دارد که در آیه زیر به آن اشاره شده است. « قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ » بگو در زمین بگردید و بنگرید چگونه آفرینش را آغاز کرده است سپس [باز] خداست که نشاء آخرت را پدید می‌آورد خداست که بر هر چیزی تواناست. (عنکبوت / ۲۰)

### ۳. اثرپذیری گزارشی

« در اثرپذیری گزارشی، گوینده مضمون آیه یا حدیثی را به دو شیوه ترجمه یا تفسیر به فارسی گزارش می‌کند، گاه به شیوه نقل قول و با یادکرد نام گوینده و گاه بی آن و از زبان خود. » (راستگو، ۱۳۸۹: ۳۸)  
اثرپذیری گزارشی دو نوع است: الف) ترجمه آزاد ب) ترجمه بسته

### الف) ترجمه:

«در این شیوه شاعر از باز گرداندن فارسی، واژه یا ترکیبی قرآنی بهره می‌گیرد. ترجمه آیه و حدیث به پارسی مانند هر ترجمه دیگری گاه بسته و پای خوان « تحت اللفظ و گاه آزاد و باز » است. (همان: ۳۸)

۱- ۲- ۳- انسان که تویی هیچ کس آگه به تو نیست / راهی ز فراز عقل کوتاه به تو نیست / هر چند تو را هزار ره باشد لیک / جز راه دل از هیچ رهی ره به تو نیست (امین پور، ۱۳۹۵: ۴۱۳)

بیت فوق به این که خداوند دست نیافتنی است، و اینکه عقل انسان، راه به حضرت حق را ندارند سخن گفته است و در خطبه ای از نهج البلاغه و مفاتیح الجنان به آن اشاره شده است. « لَا تَقْعُ الْأَوْهَامُ لَهُ عَلَىٰ صِفَةٍ وَلَا تُعْقَدُ الْقُلُوبُ مِنْهُ عَلَىٰ كَيْفِيَّةٍ » پندارها برای او صفتی نمی‌توانند فراهم آورند، و عقل‌ها از درک کیفیت او در مانده‌اند، نه جزئی برای او می‌توان تصور کرد و نه تبعیض پذیر است. (دشتی، ۱۳۹۰: ۱۴۳) و نیز بنگرید: (دشتی، ۱۳۹۰: ۲۱۹)

و کلمه " وهم " در حدیثی از امام باقر(ع) به آن اشاره شده است که فرمودند: « كَلِّمًا مَيِّزَتُمْوُهُ بِأَوْهَامِكُمْ فِي أَدَقِّ مَعَانِيهِ مَخْلُوقٌ مَصْنُوعٌ مِثْلُكُمْ مَرْدُودٌ إِلَيْكُمْ » آنچه را در ذهن خود با دقیق ترین معانی تصور و توهم کنید، [خدا از آن منزّه است و] آن پندار شما مخلوقی است مثل شما. (مجلسی، ۱۳۸۱: ۲۹۲) و در حدیثی دیگر از پیامبر اکرم (ص) روایت شده است که می فرماید «الطَّرُقُ إِلَى اللَّهِ بِعَدَدِ أَنْفَاسِ الْخَلَائِقِ» راه ها به سوی خدای تعالی به شمارهٔ انفاس خلائق است. (صدری نیا، ۱۳۸۰: ۳۰۸)

۲- ۲- ۳- آن کوه گران / مشت غباری شد و برخاست (کدکنی، ۱۳۷۶: ۳۱۹)

بیت فوق ترجمه بسته ای است که در ابتدای آیه زیر به کار رفته است. « يَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ وَكَانَتِ الْجِبَالُ كَثِيبًا مَهِيلاً » در آن روز که زمین و کوه ها سخت به لرزه در می آید، و کوه ها (چنان درهم کوبیده می شود که) به شکل توده هایی از شن نرم در می آید! (مزمل / ۱۴) و نیز بنگرید: (اعراف / ۱۴۳)

۳- ۲- ۳- خاکم که: / موزه های جهان غبطه می خورند / بر شوکت همیشه ی روح سفالی ام (بهمنی، ۱۳۸۹: ۶۹۴) در بیت فوق عبارت " خاکم " در اصل به معنی " خاک هستم " است و از عبارت قرآنی « خَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ » گرفته شده، که در آیه زیر به آن اشاره شده است و این اثر پذیری گزارشی (ترجمه) است. اما به دلیل اینکه دقیقاً ترجمه لفظ به لفظ آیه نیست آن را ترجمه ای آزاد از این آیه می توان دانست. « قَالَ مَا مَنَعَكَ أَلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ » خدای متعال بدو فرمود: چه چیز تو را مانع از سجده (آدم) شد که چون تو را امر کردم نافرمانی کردی؟ پاسخ داد که من از او بهترم، که مرا از آتش و او را از خاک آفریده ای. (اعراف / ۱۲)

۴- ۲- ۳- گفتا: بخوان به نام خدا تا که پا نهد / روح القدس به حاشیه ی همناویی ات (منزوی، ۱۳۹۵: ۹۷۶) بیت فوق ترجمه آیه زیر است که به دلیل نداشتن ترجمه لفظ به لفظ می توان آن را ترجمه ای آزاد از این آیه دانست. « اِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ » بخوان به نام پروردگارت که آفرید. (علق / ۱) و واژه " روح القدس " به صورت همان عبارت قرآنی " رُوحُ الْقُدُّسِ " آمده است که اثر پذیری واژگانی (وام گیری) از قرآن است. که در آیه زیر به آن اشاره شده است. « قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُّسِ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ لِيُثَبِّتَ الَّذِينَ آمَنُوا وَهُدًى وَبُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ » بگو که این آیات را روح القدس از جانب پروردگارت به حقیقت و راستی نازل کرده تا اهل ایمان را ثابت قدم گرداند و برای مسلمین هدایت و بشارت باشد. (نحل / ۱۰۲)

(ب) تفسیر: [www.anjomanfarsi.ir](http://www.anjomanfarsi.ir)

هنگامی که شاعر مضمون آیه یا حدیثی را در شعر خود به کارگیرد و اثر خود را با استفاده از آیه و حدیث بسط (گسترش) دهد.

۱- ۲- ۳- سال پار / دانه ای درون ظلمت زمین، در انتظار / وینک این زمان: / هفت سنبله به روی بوته / زیر آفتاب / هفت چهرهٔ صبور / سال دیگرش بین / هفتصد هزار و بی شمار (کدکنی، ۱۳۷۶: ۴۸۹)

در ابیات فوق شرح واژه ای و توصیفی آیه به کار رفته است، که این اثر پذیری گزارشی (تفسیر) است. « مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَتَتْ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ » مثل کسانی که مالهای خود را در راه خدا انفاق می کنند، مثل دانه ای است که هفت خوشه برویاند و در هر خوشه صد دانه باشد و خدا برای هر کس که بخواهد چند برابر می کند و خدا وسعت بخش داناست. (بقره / ۲۶۱)

۲- ۲- ۳- اما زمین که بیشتر از هر چه در جهان / شایسته ستایش و تکریم آدمی ست (ابتهاج، ۱۳۷۶: ۱۱۲) بیت فوق به قابل ستایش بودن زمین و زیبایی های آن اشاره دارد که در آیه زیر به آن اشاره شده است. « قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ » بگو در زمین بگردید

و بنگرید چگونه آفرینش را آغاز کرده است سپس [باز] خداست که نشاء آخرت را پدید می آورد خداست که بر هر چیزی تواناست. (عنکبوت / ۲۰)

#### ۴) اثرپذیری الهامی - بنیادی

هنگامی که سخنی بر پایه قرآن و حدیث استوار گردد را اثرپذیری الهامی بنیادی گویند. حال اگر در این سخن شباهت بیشتری با آیه و حدیث یافت شود، اثرپذیری الهامی - بنیادی (نزدیک) و اگر شباهت کم باشد اثرپذیری الهامی - بنیادی (دور و پنهان) است.

۱ - ۴ - خدای ما اگر در خود ماست / کسی که بی خداست، پس خودش نیست (امین پور، ۱۳۹۵: ۷۴)  
مصرع اول بیت فوق الهام گرفته از واژه قرآنی " نَحْنُ أَقْرَبُ " است که در آیه زیر به آن اشاره شده و اثرپذیری الهامی - بنیادی (نزدیک) است. « وَ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَ نَعَلَّمْهُ مَا تُوسَّوِسُ بِهِ نَفْسُهُ وَ نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ » و ما انسان را آفریده ایم و می دانیم که نفس او چه و سوسه ای به او می کند و ما از شاهرگ [او] به او نزدیکتریم. (ق / ۱۶)

۲ - ۴ - دیدی که باز هم / صد گونه گشت و بازی ایام / یک بیضه در کلاهدش نشکست (کدکنی، ۱۳۷۶: ۲۲۸)  
بیت فوق الهام گرفته از آیات زیر است که اشاره به زندگی دنیوی که بازی بیش نیست اشاره دارد. « وَ مَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ وَ لَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ » و زندگی دنیا جز بازی و سرگرمی نیست، و قطعاً سرای بازیسین برای کسانی که پرهیزگاری می کنند بهتر است. آیا نمی اندیشید؟ (انعام / ۳۲) و نیز بنگرید: (عنکبوت / ۶۴)

۳ - ۴ - بر پای خوکان؟ نه! زیرا، با مغز پوکان؟ نه! زیرا / زیرا که زیرا که زیرا دُرَدانه لفظ دری بود (بهمنی، ۱۳۸۹: ۶۱۹)

در بیت فوق کلمات " خوکان، لفظ دری " الهام گرفته از سخنان حضرت رسول (ص) است. که در احادیث زیر به آن اشاره شده است. با توجه به نکات فوق این اثرپذیری الهامی - بنیادی از نوع (نزدیک) است. « لَا تَطْرَحُوا الدُّرَّ تَحْتَ أَرْجْلِ الْخَنَازِيرِ » مروارید را در دهان خوکان نریزید. و حدیث « وَاضِعُ الْعِلْمِ عِنْدَ غَيْرِ أَهْلِهِ كَمَقْلَدِ الْخَنَازِيرِ الْجَوْهَرَ وَ اللَّوْثُ وَ الذَّهَبُ » آنکه علم را به نا اهل بسپارد، در و مروارید و طلا را بر گردن خوک آویخته است. (راستگو، ۱۳۸۹: ۱۴۲) و نیز بنگرید: من آنم که در پای خوکان نریزم / مر این قیمتی در لفظ دری را. (ناصر خسرو، ۱۳۹۴: ۱۴۳)

۴ - ۴ - این رنج، چلیپا وار، بر دوش من، آه! انگار، / مردی و صلیبی را، در ناصره می بینم (منزوی، ۱۳۹۵: ۳۰۵)  
بیت فوق بر پایه داستان حضرت عیسی (ع) و به صلیب کشیدن ایشان اشاره دارد. که در آیات زیر به آن اشاره شده است. « وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا » و هم از این رو که گفتند: ما مسیح عیسی بن مریم رسول خدا را کشتیم، در صورتی که او را نه کشتند و نه به دار کشیدند بلکه امر بر آنها مشتبه شد؛ و همانا آنان که درباره او عقاید مختلف اظهار داشتند از روی شک و تردید سخنی گفتند و عالم به او نبودند جز آنکه از پی گمان خود می رفتند و به طور یقین مسیح را نکشتند. (نساء / ۱۵۷) و آیه « بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَ كَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا » بلکه خدا او را به سوی خود، بالا برد. و خداوند، توانا و حکیم است. (نساء / ۱۵۸) با توجه به این آیات و آوردن کلماتی مانند: چلیپا، صلیب، ناصره

این اثرپذیری را می توان الهامی - بنیادی از نوع (نزدیک) دانست.

۵ - ۴ - اینجاست یار گمشده گرد جهان مگرد / خود را بجوی سایه اگر جستجو کنی (ابتهاج، ۱۳۷۶: ۱۹۶)



ابیات فوق الهام گرفته از آیه قرآنی است که در زیر به آن اشاره شده، و این اثرپذیری الهامی - بنیادی (نزدیک) است. «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَ نَعَلَمُ مَا تُوَسَّوَسُ بِهِ نَفْسُهُ وَ نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ» ما انسان را آفریدیم و می دانیم که در نفس او چه خبر است؛ از وسوسه های نفس او خبر داریم و ما از رگ گردن به او نزدیک تریم. (ق/ ۱۶) و در بیت فوق عبارت "خود را بجوی" اشاره به معرفت نفس انسان دارد که الهام گرفته از آیه و حدیث زیر است. «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» و مانند آنان نباشید که به کلی خدا را فراموش کردند، خدا هم (حظ روحانی و بهره ابدی) نفوس آنها را از یادشان برد، آنان به حقیقت بدکاران عالمند. (حشر / ۱۹) و حدیثی از پیامبر (ص) که می فرماید: «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ» هر که خود را شناخت، خدای خود را شناخته است. (سجادی، ۱۳۸۹: ۱۲)

### ۵) اثر پذیری تلمیحی

در این شیوه، گوینده درونمایه اثر خود را از داستان زندگی شخصیت های مذهبی، ملی و اساطیری می گیرد.

۱-۵- میراث باستانی ابراهیم / برشانه های ماست / نمرودیان همیشه به کارند / تا هیمة ای به حیطة آتش بیاورند (امین پور، ۱۳۹۵: ۳۷۳)

این ابیات تلمیح به داستان زندگی حضرت ابراهیم (ع) دارد و اینکه نمرود دستور داد برای آتش زدن حضرت ابراهیم (ع) هیمة ای جمع آوری کنند که آتش برای خداوند گلستان شد. «قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَيَّ إِبْرَاهِيمَ» گفتیم ای آتش برای ابراهیم سرد و بی آسیب باش. (انبیاء / ۶۹)

۲-۵- نزدیکتر شدم دیدم عصا و تخت سلیمان را / که موریانه ها / از پایه خورده بودند اما هنوز او / با هیبت و مهابت خود ایستاده بود (کدکنی، ۱۳۷۶: ۴۰۰)

ابیات فوق تلمیح به داستان حضرت سلیمان (ع) دارد، که در آیه زیر نیز به آن اشاره شده است. «حَتَّى إِذَا اتُّوا عَلَى وَادِ النَّمْلِ قَالَتْ نَمْلَةٌ يَا أَيُّهَا النَّمْلُ ادْخُلُوا مَسَاكِنَكُمْ لَا يَحْطِمَنَّكُمْ سُلَيْمَانُ وَجُنُودُهُ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ» تا آنگاه که به وادی مورچگان رسیدند مورچه ای [به زبان خویش] گفت: ای مورچگان به خانه هایتان داخل شوید مبادا سلیمان و سپاهیانش ندیده و ندانسته شما را پایمال کنند. (نمل / ۱۸)

۳-۵- تو از اول سلامت پاسخ بدرد با خود داشت / اگر چه سحر صوت جدهی داوود با خود داشت (بهمنی، ۱۳۸۹: ۴۴۷)

بیت فوق تلمیح به داستان حضرت داوود (ع) دارد که به خوش آوازی معروف بوده است. آنجا که می گوید: "سحر صوت جدهی داوود" که در آیه زیر به آن اشاره شده است. «وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ مِنَّا فَضْلًا يَا جِبَالُ أَوِّبِي مَعَهُ وَالطَّيْرَ وَاللَّنَّا لَهُ الْوَحْدِيدَ» و به راستی داوود را از جانب خویش مزیتی عطا کردیم [و گفتیم] ای کوهها با او [در تسبیح خدا] همصدا شوید و ای پرندگان [هماهنگی کنید] و آهن را برای او نرم گردانیدیم. (سباء / ۱۰)

۴-۵- هوس یوسفی ام بود و عزیزیم اما / غمت افکند به یعقوبی بیت الحزنم (منزوی، ۱۳۹۵: ۵۴)

بیت فوق تلمیح به داستان حضرت یوسف (ع) دارد که حضرت یعقوب (ع) خانه ای را که (بیت الاحزان) نام داشت، در فراق فرزندش یوسف (ع) بنا کرد. «بیت الاحزان: خانه ای بود که یعقوب بنا کرده بود، در آنجا شدید و روی فرا دیوار کردید و بر یوسف نوحه می کردید خالی از اهل بیت» (لاریجانی، ۱۳۸۰: ۳۳۴) و همچنین تلمیح به داستان عزیزی مصر که یوسف (ع) در جوانی به آن مقام رسید. «وَقَالَ الَّذِي اشْتَرَاهُ مِنْ مِصْرَ لِامْرَأَتِهِ أَكْرِمِي مَثْوَاهُ عَسَىٰ أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَكَدًّا وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ وَلِنُعَلِّمَهُ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَىٰ أَمْرِهِ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» و عزیز مصر که او را خریداری کرد به زن خویش سفارش غلام را نمود که مقامش بسیار گرامی دار که این غلام امید است به ما

نفع بسیار بخشد یا او را به فرزندی بگیریم. و ما این چنین یوسف را به تمکین و اقتدار رسانیدیم و برای آنکه او را از علم تعبیر خوابها بیاموزیم، و خدا بر کار خود غالب است ولی بسیاری مردم (بر این حقیقت) آگه نیستند. (یوسف / ۲۱)

۵ - ۵- اندوه نامرادی اسکندر کُشد / چون خضر اگر به چشمه آب بقا رسم (ابتهاج، ۱۳۷۶: ۲۴۹)  
 ابیات فوق تلمیح به داستان اسکندر و نوشیدن از چشمه آب حیات دارد. و اسکندر در خلال سفرهایش، توسط پیروی در هند به وجود چشمه آب حیات واقف شد، او می خواست از آن آب بنوشد و عمری جاودان یابد که موفق به این کار نشد اما حضرت خضر از آن آب نوشید و عمری جاودان یافت. (محمدی، ۱۳۷۴: ۷۹) و عبارت "چشمه نوشین حیات" به آیه قرآنی زیر اشاره دارد. «أُولَئِكَ يَرِ الْذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتْما رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا أَفَلَا يُؤْمِنُونَ» آیا کسانی که کفر ورزیدند ندانستند که آسمانها و زمین هر دو به هم پیوسته بودند و ما آن دو را از هم جدا ساختیم و هر چیز زنده ای را از آب پدید آوردیم آیا [باز هم] ایمان نمی آورند. (انبیاء / ۳۰)

#### ۶) اثر پذیری تاویلی:

در این شیوه گوینده در ژرفای آیه یا حدیثی رسوخ کرده و از آن مطالبی دیگر دریافت می کند. و با استفاده از این دریافت، مطالب و مضامین جدید می آفریند.

۱ - ۶- دیروز ما زنگ زندگی را / به بازی گرفتیم (امین پور، ۱۳۹۵: ۳۳۹)  
 در این بیت طبق آیه زیر که به آن اشاره شده، زندگی دنیا بازیچه و بیهوده است. و آیه زیر زندگی را بازیچه دانسته، اما شاعر با تأویل خود آن را به بازی گرفته است که این اثر پذیری تاویلی است. «إِنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُوَ وَإِنْ تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا يُؤْتِكُمْ أَجْرَكُمْ وَلَا يَسْأَلْكُمْ أَمْوَالَكُمْ» زندگی این دنیا لهو و لعبی بیش نیست و اگر ایمان بیاورید و پروا بدارید [خدا] پاداش شما را می دهد و امواتان را [درعوض] نمی خواهد. (محمد / ۳۶)  
 ۲ - ۶- آن صداها به کجا رفت، / صداهای بلند، / گریه ها، قهقهه ها، / آن امانت ها را، / آسمان آیا پس خواهد داد؟ / پس چرا حافظ گفت: / آسمان بار امانت نتوانست کشید. نعره های حلاج، / بر سر چوبه دار، / به کجا رفت کجا؟ / به کجا می رود آه! / چهچه گنجشک بر ساقه باد، / آسمان آیا، / این امانت ها را، باز پس خواهد داد؟ (کدکنی، ۱۳۷۶: ۵۰۷)

در شعر فوق که در آیه زیر نیز به آن اشاره شده، آسمان بار امانت الهی را نمی تواند به دوش خود بکشد بلکه شاعر در اینجا با تأویل خود آن را بیان می کند و این اثر پذیری تاویلی است. «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا» ما امانت [الهی و بار تکلیف] را بر آسمانها و زمین و کوهها عرضه کردیم پس از برداشتن آن سرباز زدند و از آن هراسناک شدند [ولی] انسان آن را برداشت راستی او ستمگری نادان بود. (احزاب / ۷۲)

۳ - ۶- دردا و دریغا که در این بازی خونین / بازیچه ایام دل آدمیان است (ابتهاج، ۱۳۷۶: ۲۵۸)  
 بیت فوق تاویلی از آیات زیر است که اشاره به زندگی دنیوی که بازی بیش نیست اشاره دارد. «وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ وَ لَلْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ» و زندگی دنیا جز بازی و سرگرمی نیست، و قطعاً سرای بازپسین برای کسانی که پرهیزگاری می کنند بهتر است. آیا نمی اندیشید؟ (انعام/ ۳۲) و آیه «وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَ لَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ» این زندگی دنیا جز سرگرمی و بازیچه نیست و زندگی حقیقی همانا [در] سرای آخرت است ای کاش می دانستند. (عنکبوت / ۶۴)

#### ۷) اثر پذیری تطبیقی:

در این شیوه، شاعر طبق نکته ای که خود از آیه یا حدیثی دریافت کرده است، بدون توجه به اصل آن آیه یا حدیث، که موضوع آن در مورد چیست؟ و یا چه زمانی و مکانی است در شعر بهره می گیرد.

۱-۷- بیچاره‌ی دچار تورا چاره جز تو چیست؟ / چون مرگ، ناگزیری و تدبیر تو محال (امین پور، ۱۳۹۵: ۲۱۱)

در این بیت اثر پذیری تطبیقی صورت گرفته، که در نهج البلاغه نیز به آن اشاره شده است. « وَقَالَ مَا لِإِبْنِ آدَمَ وَالْفَخْرِ أَوْلَهُ نُطْفَةٌ وَ آخِرُهُ جِيفَةٌ وَ لَا يَرْزُقُ نَفْسَهُ وَ لَا يَدْفَعُ حَتْفَهُ » و درود خدا بر او، فرمود: فرزند آدم را با فخر فروشی چه کار او که در آغاز نطفه‌ای گنبدیده، و در پایان مرداری بد بو است، نه می‌تواند روزی خویشتن را فراهم کند، و نه مرگ را از خود دور نماید. (دشتی، ۱۳۷۹: ۷۳۶) و همچنین در مصرع دوم بیت عبارت " تدبیر تو محال " که در حدیث زیر نیز به آن اشاره شده، اثر پذیری تطبیقی است. « الْعُبُودِيَّةُ تَرَكَ التَّدْبِيرَ وَ شُهُودُ التَّقْدِيرِ » عبودیت، ترک تدبیر و مشاهده‌ی تقدیر است. (صدری نیا، مآثورات: ۳۲۰) در مصرع اول بیت فوق عبارت " بیچاره‌ی دچار تورا چاره جز تو چیست؟ " اثر پذیری الهامی - بنیادی است بر اساس آیه زیر است. « وَمَكْرُؤًا وَّمَكْرَ اللَّهِ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ » و [دشمنان] مکر ورزیدند و خدا [در پاسخشان] مکر در میان آورد و خداوند بهترین مکرانگیزان است. (آل عمران / ۵۴)

#### ۸) اثر پذیری تصویری:

در این شیوه، گوینده تصویری از شعر خود را بیان می کند که این تصویر سازی معمولاً با استفاده از تشبیه صورت می گیرد. اما از صناعات ادبی دیگر همچون: مجاز، استعاره و کنایه نیز بهره می گیرد.

۱-۸ یک زبان زندگی، یک زبان مرگ / ذوالفقاری سخنگوی در مشت (امین پور، ۳۵۴: ۱۳۹۵)

واژه " ذوالفقار " نام شمشیر حضرت علی (ع) که دارای دو دم (زبان) بوده است که در مصرع دوم بیت به آن اشاره شده است که شاعر با تشبیهی زیبا در مصرع اول به شکل این شمشیر نیز اشاره کرده است ولی منظورش از عبارت " ذوالفقار سخنگو " استعاره از قلم است. و به سبب وجود استعاره و تشبیه این اثر پذیری تصویری است درغروه احد حضرت علی (ع) به تنهایی از چپ و راست شمشیر می زد و کفار را که قصد کشتن حضرت رسول (ص) را داشتند به هلاکت می رساند، و فرشتگان نیز از ثبات علی ابن ابی طالب و دلاوری او تعجب نمودند تا اینکه جبرئیل از آسمان آوازی در داد که فرمود: « لَا فَتَى الْآعْلَى، لَا سَيْفَ الْآذُو الْفَقَارِ »

#### ۹) اثر پذیری ساختاری - سبکی:

در این شیوه، ساختار قرآن و حدیث به صورت ویژه ای است، مثلاً: (امر، نهی) هنگامی که گوینده از این ساختار ویژه در اثر خود بهره می گیرد به این اثر پذیری ساختاری - سبکی گویند.

۱-۹- بخوان به نام گل سرخ در صحاری شب / که باغها همه بیدار و بارور گردند / بخوان دوباره بخوان / تا کبوتران سپید / به آشیانه خونین دوباره برگردند / بخوان به نام گل سرخ در رواق سکوت /... / بخوان به نام گل سرخ و عاشقان بخوان (کدکنی، ۱۳۷۶: ۲۳۹)

سبک ابیات فوق یاد آور سوره علق است که در زیر به آن اشاره شده است. که این اثر پذیری (اثر پذیری ساختاری - سبکی) است. « اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ » بخوان به نام پروردگارت که آفرید. « خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ » انسان را از علق آفرید. و آیه « اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ » بخوان و پروردگارت تو کریمترین [کریمان] است. (علق / ۳-۱)

### ۱۰) اثرپذیری شیوه ای:

در این شیوه، اثرپذیری گوینده از شیوه هایی استفاده می کند که سطح سخن خود را از حد معمولی ارتقاء دهد، از شیوه هایی مانند: علم معانی، بیان، فنون بلاغت و ...

۲-۵- ای که به خشم کرده ای، قصد دل من، این مکن / سنگ مزن بر آینه، آینه مشکن، این مکن

(منزوی، ۱۳۹۵: ۱۷۳)

بیت فوق از نظر علم معانی (انشاء: نهی) است و به شیوهی قرآن عمل کرده است. در آن جا که می گوید: " این مکن، آینه مشکن" و چون علم معانی در آن به کار رفته، اثرپذیری شیوه ای است.

### ۱۱) اثر پذیری چند سویه:

در این شیوه، شاعر از چند نوع اثر پذیری در یک بیت استفاده می کند.

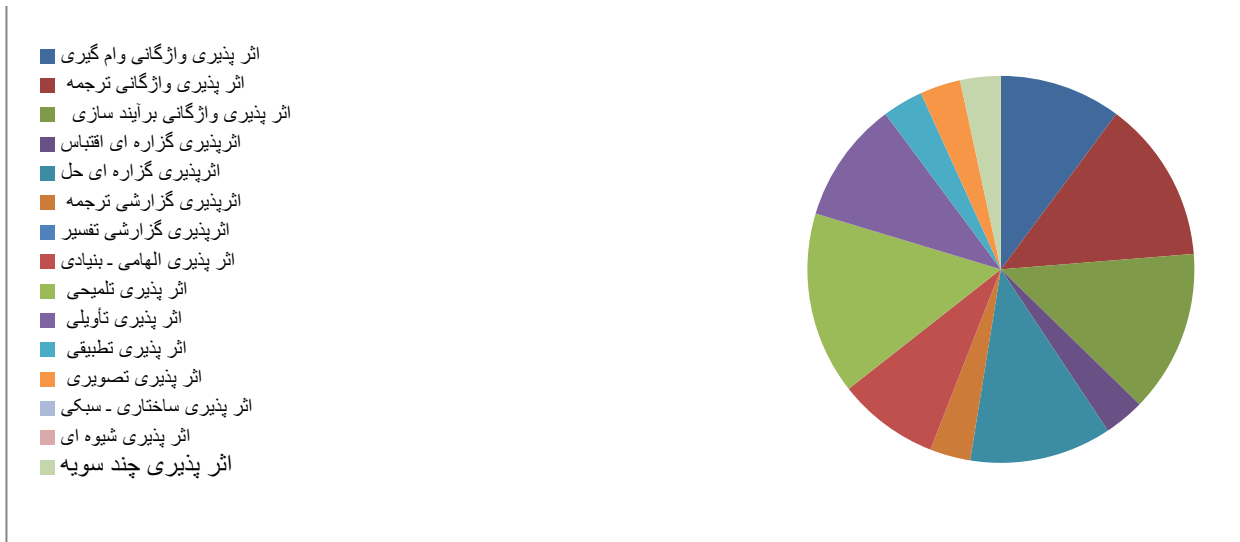
۱- ۱۱- تا نور تو تابیده به طور کلماتم / موسای تکلم شده ام در خودم امشب (امین پور، ۱۳۹۵: ۵۶)

در بیت فوق از واژه های (طور، موسای تکلم) برآیند سازی صورت گرفته است و تلمیح به داستان حضرت موسی (ع) دارد اثرپذیری تلمیحی است. و چون از دو نوع اثرپذیری به صورت همزمان استفاده شده است، اثرپذیری چند سویه است. عبارت " موسای تکلم" بر آیندی است از «كَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا» که در آیه زیر به آن اشاره شده است. « وَ رُسُلًا قَدْ قَصَصْنَاهُمْ عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ وَرُسُلًا لَمْ نَقُصُّهُمْ عَلَيْكَ وَكَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا » و رسولانی هم که شرح حال آنها را از پیش بر تو حکایت کردیم و آنهایی را که حکایت نمودیم (به همه خدا وحی فرستاد) و خدا با موسی (در طور) آشکار و روشن سخن گفت. (نساء / ۱۶۴) و نیز بنگرید: (قصص / ۲۹)

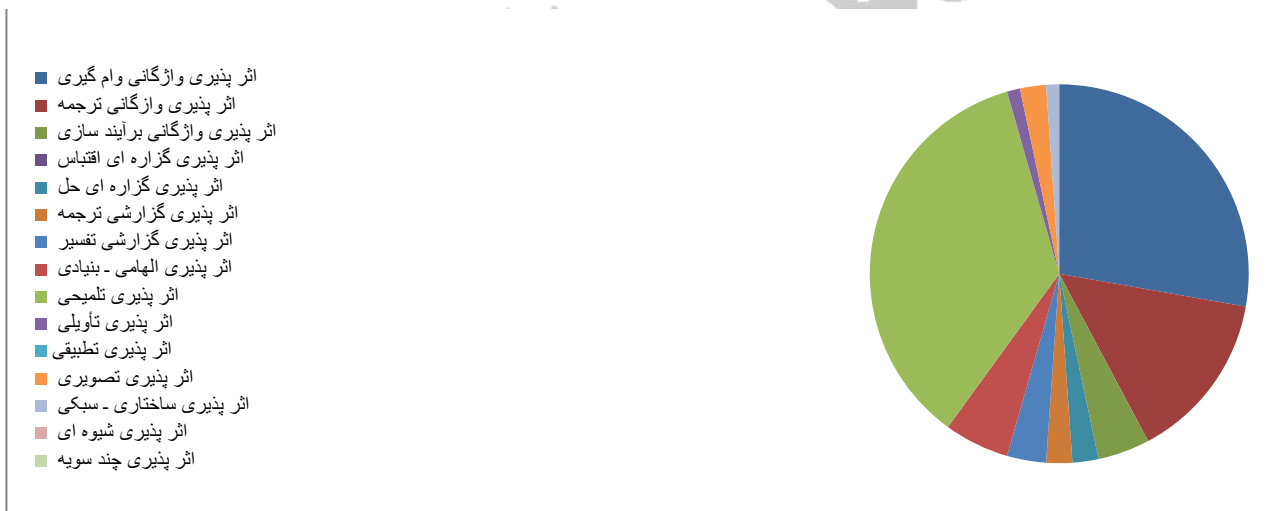
۲- ۱۱- نشان هوشیاری بود آن عصیان ابلیسی / زمانی که ملایک خاک را تعظیم می کردند (منزوی، ۱۳۹۵: ۳۲۰)

واژه " ابلیس" در ابیات فوق به معنی " شیطان" است. و چون دقیقاً به واژه قرآنی " ابلیس" اشاره شده است، این اثرپذیری واژگانی (وام گیری) است. و نیز تلمیح به داستان نافرمانی ابلیس از پروردگار و سجده نکردن در برابر حضرت آدم (ع) دارد. که در اینجا نیز اثرپذیری تلمیحی صورت گرفته است که در آیات زیر به آن اشاره شده است. « وَ إِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ » و هنگامی که به فرشتگان گفتیم: برای آدم [خضوع] و سجده کنید، جز ابلیس که سرباز زد و تکبر ورزید و از کافران شد، [همگی آنان] سجده کردند. (بقره / ۳۴) و نیز بنگرید: (حجر / ۳۱) و همچنین واژه " عصیان" در بیت فوق به معنی " نافرمانی کردن" که برآیندی از واژه قرآنی " عَصِيًّا" است. که در آیه زیر به آن اشاره شده و این اثرپذیری واژگانی (برآیند سازی) است. « يَا أَبَتِ لِمَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا » پدر جان شیطان را مپرست که شیطان [خدای] رحمان را عصیانگر است. (مریم / ۴۴) و این ابیات را با وجود سه اثر پذیری، می توان اثرپذیری (چندسویه) در نظر گرفت.

نتیجه‌ی نمودار اثر پذیری پنج شاعر معاصر به شرح زیر است:  
نمودار دایره ای اثر پذیری قیصر امین پور

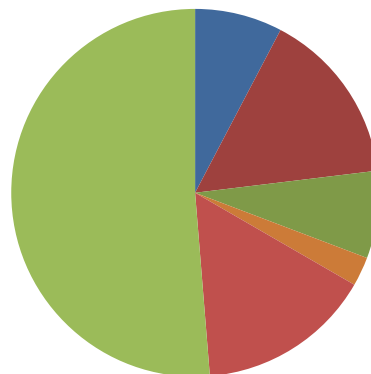


نمودار دایره ای اثر پذیری محمد رضا شفیعی کدکنی



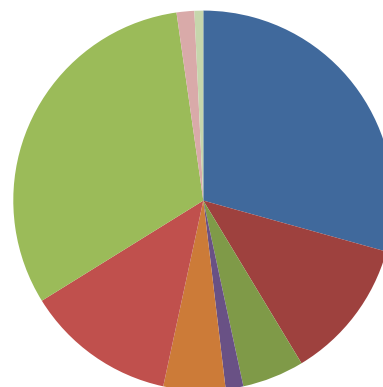
### نمودار دایره ای اثر پذیری محمد علی بهمنی

- اثر پذیری واژگانی وام گیری
- اثر پذیری واژگانی ترجمه
- اثر پذیری واژگانی برآیند سازی
- اثر پذیری گزاره ای اقتباس
- اثر پذیری گزاره ای حل
- اثر پذیری گزارشی ترجمه
- اثر پذیری گزارشی تفسیر
- اثر پذیری الهامی - بنیادی
- اثر پذیری تلمیحی
- اثر پذیری تأویلی
- اثر پذیری تطبیقی
- اثر پذیری تصویری
- اثر پذیری ساختاری - سبکی
- اثر پذیری شیوه ای
- اثر پذیری چند سویه



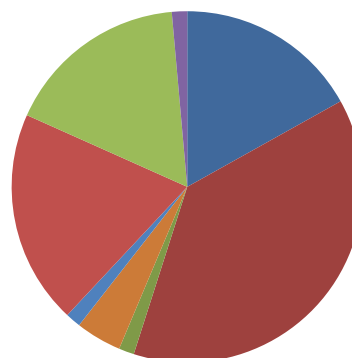
### نمودار دایره ای انواع اثر پذیری حسین منزوی

- اثر پذیری واژگانی وام گیری
- اثر پذیری واژگانی ترجمه
- اثر پذیری واژگانی برآیند سازی
- اثر پذیری گزاره ای اقتباس
- اثر پذیری گزاره ای حل
- اثر پذیری گزارشی ترجمه
- اثر پذیری گزارشی تفسیر
- اثر پذیری الهامی - بنیادی
- اثر پذیری تلمیحی
- اثر پذیری تأویلی
- اثر پذیری تطبیقی
- اثر پذیری تصویری
- اثر پذیری ساختاری - سبکی
- اثر پذیری شیوه ای
- اثر پذیری چند سویه



www.anjomanfarsi.ir نمودار دایره ای انواع اثر پذیری هوشنگ ابتهاج

- اثر پذیری واژگانی وام گیری
- اثر پذیری واژگانی ترجمه
- اثر پذیری واژگانی برآیند سازی
- اثر پذیری گزاره ای اقتباس
- اثر پذیری گزاره ای حل
- اثر پذیری گزارشی ترجمه
- اثر پذیری گزارشی تفسیر
- اثر پذیری الهامی - بنیادی
- اثر پذیری تلمیحی
- اثر پذیری تأویلی
- اثر پذیری تطبیقی
- اثر پذیری تصویری
- اثر پذیری ساختاری - سبکی
- اثر پذیری شیوه ای
- اثر پذیری چند سویه



### نتیجه گیری:

پژوهش حاضر به بررسی انواع اثرپذیری از قرآن و حدیث در شعر شاعران معاصر: محمد رضا شفیعی کدکنی، قیصر امین پور، حسین منزوی، هوشنگ ابتهاج و محمد علی بهمنی پرداخت. تکرار برخی واژگان قرآنی و دینی از جمله: بهشت، دوزخ، فردوس، نماز، هفت آسمان و... با بسامد بیشتری از دیگر واژگان بود، که به طرق مختلف بیان شده بود. و همچنین مضامین و تلمیحات بسیاری که ما در گذشته نیز شاهد استفاده‌ی آن‌ها بوده ایم، مضامین داستان‌های: خلقت آدم، خلافت آدم، داستان حضرت یوسف (احسن القصص)، حضرت عیسی (ع)، حضرت موسی (ع)، حضرت سلیمان (ع)، و حضرت خضر (ع) که تمام این داستان‌های قرآنی در شعر شاعران بزرگ گذشته ایران زمین نیز به فراوانی به چشم می‌خورد، در شعر شاعران مورد بحث نیز بسیار به کار رفته است. و همچنین اثرپذیری از داستان‌های اساطیری و عاشقانه نیز در شعر شاعران مورد نظر گنجانده شده است. اما با رویکردی جدید به معنای آن‌ها و همچنین نوآوری در قالب و سبک شعری آن‌ها تصویر سازی شگرف برخی از این شاعران در استفاده از مضامین تکراری واقعاً ستودنی است و آن‌ها تا حد امکان از تمامی قوای شعری گذشته بهره جستند تا معنایی نو بیافرینند که برخی مانند: منزوی و بهمنی به واقع به این امکان دست یافتند.

و نتیجه‌ای که حاصل شد قابل توجه است. چرا که با توجه به برهه‌ی زمانی و تغییر اوضاع اجتماعی و سیاسی زمان شاعران مورد بحث، آن‌ها به زیبایی از این تغییرات تأثیر پذیرفته و در شعر خود نیز بهره برده‌اند. این شاعران از تأثیر مستقیم و غیر مستقیم افکار جامعه‌ی مسلمان ایرانی و همچنین کتاب آسمانی قرآن و احادیث ائمه (ع) به بهترین نحو در شعر خود سود جستند. آن‌ها از اثرپذیری مستقیم واژگانی (وام گیری، ترجمه) و غیر مستقیم به صورت اثرپذیری (الهامی - بنیادی، تلمیحی) بیشترین استفاده را کرده‌اند و توانسته‌اند شعر خود را با قرآن و احادیث پیوند دهند و مانند شاعران گذشته که پیوند قرآن و اشعارشان یکی از سنت‌های شعری آنان و روح شعری آن‌ها بود، عمل نمایند.

### منابع:

- قرآن کریم.
- راستگو، سید محمد. (۱۳۹۰). تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی. تهران: سمت.
- حلبی، علی اصغر. (۱۳۷۹). تأثیر قرآن و حدیث در ادبیات فارسی. تهران: اساطیر.
- امین پور، قیصر. (۱۳۹۱). مجموعه اشعار کامل قیصر. تهران: مروارید.
- دشتی، محمد. (۱۳۹۰). ترجمه‌ی نهج البلاغه، قم: الهادی.
- شفیعی کدکنی، محمد رضا. (۱۳۷۶). آینه‌ای برای صداها هفت دفتر شعر. تهران: سخن.
- ابتهاج، هوشنگ. (۱۳۷۸). راهی و آهی منتخب هفت دفتر شعر. تهران: سخن.
- منزوی، حسین. (۱۳۸۷). مجموعه اشعار. تهران: آفرینش - نشر نگاه.
- بهمنی، محمد علی. (۱۳۸۹). مجموعه اشعار. تهران: نگاه.
- صدری نیا، باقر. (۱۳۸۸). فرهنگ مأثورات متون عرفانی. تهران: سخن.
- سجادی، ضیاء الدین. (۱۳۸۹). مقدمه‌ای بر مبانی عرفان و تصوف. تهران: سمت.
- لاریجانی، محمد. (۱۳۸۰). داستان پیامبران در تورات، تلمود، انجیل و قرآن و بازتاب آن در ادبیات فارسی. تهران: اطلاعات.
- محمدی، حسین. (۱۳۷۴). فرهنگ تلمیحات شعر معاصر. تهران: میترا.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۴، ۱۳۸۱)، بحارالانوار الجامعه الدرر اخبار الائمة اطهار. (ج ۴۰). محمد خامسی. تهران: زرین.
- محقق، مهدی. (۱۳۹۴). شرح بزرگ دیوان ناصر خسرو. (ج ۱)، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی
- پاینده، ابوالقاسم. (۱۳۸۲). نهج الفصاحه. تهران: دنیای دانش
- سهیلی خوانساری، احمد. (۱۳۶۹). دیوان اشعار خواجهی کرمانی. تهران: پازنگ
- خطیب رهبر، خلیل. (۱۳۸۹). دیوان غزلیات حافظ. تهران: صفی علیشاه



دانشگاه یاسوج



انجمن علمی زبان و ادبیات فارسی

همایش ملی پژوهش‌های شعر معاصر فارسی

[www.anjomanfarsi.ir](http://www.anjomanfarsi.ir)